

مورخ ۲۱ یا ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل

مبارک در پاریس: درباره دو احساس

غم و سرور

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۲۱ یا ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در

پاریس:

درباره دو احساس غم و سرور<sup>1</sup>

(خطابات جلد اول، ص. ۱۹۷-۲۰۱)

هو الله

<sup>1</sup> نطق مبارک سلخ ذی قعده سنه ۱۳۲۹ در منزل مبارک - پاریس ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

جمع بشر همیشه مورد دو احساس هستند. یکی احساس سرور دیگری احساس حزن. وقت سرور روح انسان در پرواز است. جمع قوای انسان قوت میگیرد و قوه فکریه زیاد می شود، قوه ادراک شدید می گردد، قوت عقل در جمع مراتب ترقی می نماید و احاطه به حائق اشیا می کند. اما وقتی که حزن بر انسان مستولی شود، مخموم می شود، جمع قوی ضعیف می گردد، ادراک کم می شود تفکر نمی ماند، تدقیق در حقایق اشیا نمیتواند خواص اشیا را کشف نمی کند مثل مرده می شود. این دو احساس شامل جمع عموم بشر است.

از روح برای انسان حزنی حاصل نمی شود و از عقل انسان زحمت و ملالی رخ نمی دهد، یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمی گردد. اگر حزنی از برای انسان حاصل شود، از مادیات است. اگر از برای انسان خمودت و جمودتی حاصل شود، از مادیات است. مثلاً تاجر است زیان می کند، محزون می شود؛ زراعتی دارد، برکت حاصل نمی شود، مغموم می گردد بنیانی می سازد خراب می شود محزون می شود و مضطرب می گردد. مقصود اینست حزن انسان، کدورت انسان، از عالم مادیات است، یأس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است. پس واضح و مشهود شد که حزن انسان و نکبت انسان و نحوست انسان و ذلت انسان همه از مادیات است. اما از احساسات روحانیه هیچ ضرری و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمی شود. حال جمع بشر معرض غم و غصه و ملال هستند. انسانی نیست که از برای او حزن و الم و مشقت و زحمت و تعب و خسارت حاصل نشود. چون این احزان از مادیات حاصل می شود، چاره نیست جز اینکه رجوع به روحانیات بکنیم. وقتی که از مادیات نهایت تنگدلی حاصل گردد، انسان توجه به روحانیات می کند زائل می شود. انسان وقتی در نهایت مشقت نهایت یأس می افتد، چون به خاطر آید خدای مهربان دارد سرور می شود. اگر به شدت فقر مادی افتد، به احساسات روحانی آید، خود را از کنز ملکوت غنی بیند. وقتی که مریض می گردد فکر شفاء می کند، تشفی صدر حاصل نماید. وقتی که به مصائب عالم ناسوت گرفتار شود به فکر لاهوت تسلی یابد. وقتی که در حبس عالم طبیعت دلتنگ شود به فکر پرواز به عالم روح می افتد سرور می شود. وقتی که حیات جسمانی مختل باشد به فکر حیات ابدیه افتد ممنون می شود. اما این نفوسی که توجهشان صرف به عالم مادیات است و در بحر ناسوت مستغرقند، در وقت بلا و محن چه تسلی خاطر دارند؟ نفسی که معتقد به این باشد که حیات انسان محصور در حیات مادی است، چون ناتوان گردد و در بلا و مصیبتی گرفتار شود و کوس رحیل بکوبد، به چه چیز امید دارد و به چه چیز تسلی یابد؟ کسی که معتقد به حیّ قدیر مهربان نیست، چگونه روح و ریحان یابد؟ یقین است که در عذاب ابدی و نومیدی سرمدی است.

پس شما ها خدا را شکر کنید که احساسات روحانی دارید و انجذابات قلبی دیده بینا دارید و گوش شنوا، جانی زنده دارید ودلی مملو از محبت الله. در هر مصیبتی گرفتار شوید، تسلی خاطر دارید. اگر زندگانی دنیوی مختل شود به حیات آسمانی مستبشر هستید. اگر در ظلمت طبیعت گرفتار شوید به نورانیت ملکوت مسرورید. هر انسانیکه احساس روحانی دارد تسلی خاطر دارد. من چهل سال در حبس بودم با آنکه تحمّل یک سال ممکن نبود. هر نفسی را به آن حبس می آوردند، یک سال بیشتر زندگانی نمی کرد، از غم و غصه هلاک می شد. لکن من الحمدلله در این چهل سال در نهایت سرور بودم. هر صبح بر می خواستم مثل اینکه یک بشارتی جدید به من می رسد. هر شب تاریک میشد نور سرور درقلب می افزود. احساسات روحانی تسلی خاطر و توجه به خدا سبب روح و ریحان. اگر توجه به خدا نبود احساسات روحانی نبود، چهل سال در حبس چه میکردم؟ پس معلوم شد اعظم موهبت عالم انسانی احساسات روحانیت و حیات ابدی انسان توجه به خدا. امیدوارم روز به روز توجهتان بخدا زیاد شود و تسلی خاطر بیشتر گردد نفثات روح القدس بیشتر تأثیر کند و قوای ملکوتی بیشتر ظاهر شود. اینست منتهی آمال و آرزوی ما از خدا چنین می خواهم.

